

### پرونده تاریخ شفاهی آب در ایران (۱)

# تهران قاجاری هیچ گاه کم آبی را به چشم ندید

گفت و گو با «سید عبدالله انوار» نسخه شناس و پژوهشگر برجسته تاریخ تهران

تهران در جایگاه پایتخت کشوری ایستاده که همواره به کم آبی دچار بوده است. در فاصله کمتر از یکصدسال اخیر، تحولات این زیست‌بوم و سبک زندگی مردم بسیار شتابان رخ داده است؛ از این رو برای مرور برخی وقایع و شرایط روزگار معاصر تهران، شاید تنها بتوان اندک‌شماری مردان باحافظه و باداشتی را سراغ گرفت که در خاطراتشان همه این دگرگونی‌ها را آنچنان که در بطن زندگی مردمان روی می‌داده است، ثبت کرده‌اند.



سید عبدالله انوار یکی از این مردان بادانش است. او زاده ۱۳۰۳ خورشیدی است؛ ۹۲ سال پیش این نسخه‌شناس برجسته، تهران شناس و به تعبیر بسیاری، حکیم معاصر، بخش عمده‌ای از رخدادهای تاریخ معاصر ایران در سید چهاردهم هجری را از نزدیک تجربه کرده و از سر گذرانده است. فرزند سید یعقوب انوار، نماینده چند دوره مجلس شورای ملی در عصر مشروطیت و پهلوی اول، گنجینه‌ای از خاطره‌های سیاسی و اجتماعی تهران را در یاد دارد. با او به گفت‌وگو که می‌نشینی،

### پل فیروزه

## بن‌مایه‌های کم‌رنگ‌اندیشه‌های فمینیستی از نگاه مستشرقان زنان سنتی ایران در تاریخ در جست‌وجوی چه بوده‌اند



**پیمان سمندری**  
پژوهشگر ایران‌شناسی

**زنان خانه‌نشین، مردان مجلس‌نشین**  
اولیویه، سفرنامه‌نویس فرانسوی دوره فتحعلی شاه قاجار می‌نویسد: «زنان شهری ایران بسیار هوشیار و دل‌باز و خوشگل و ظریف و به مراتب از شوهرهای خود آگاه‌تر هستند». این که جهانگرد فرانسوی، «آگاهی» را در چه موضوعاتی می‌داند و بدان واسطه، زنان ایرانی را از مردان آگاه‌تر توصیف می‌کند، چندان روشن نیست اما می‌توان پرسید این آگاهی آیا نسبت به حقوق اجتماعی و دستیابی به جایگاهی بالاتر در جامعه سنتی ایران می‌تواند باشد؟ مسأله‌ای که منطقی می‌توانسته مرد محافظه‌کار ایرانی را به رویارویی و مقاومت وادارد.

که مطالبات روس‌ها را تسلیم نموده و راضی شوند... در این موقع زنان ایران جوانی مهیا نموده و سبک نقر از آن جنس ضعیف از خانه و حرمسراهای محصور با برافروختگی بشره که از عزم ثابت‌شان خبر می‌داد، بیرون آمده، در حالتی که در چادرهای سیاه و نقاب‌های مشبک سفید مستور بوده و حرکت نظامی می‌نمودند و بسیاری از ایشان در زیر لباس یا استین‌های خود طباچه‌ها پنهان داشتند، یک‌سره به مجلس رفته و در آن جا جمع شدند... آن هیأت مادران و زوجات و دختران مجسوم ایرانی، طباچه‌های خود را برای تهدید نشان داده و نقاب‌ها پاره کرده و دور انداخته و اراده و عزم آخری خود را اظهار و اعتراف کردند که اگر وکلای مجلس در انجام فرایض خود و محافظت و برقرار داشتن شرف ملت ایران تردید نمایند، مردان و فرزندان و خودمان را کشته و اجسادمان را همین‌جا می‌اندازیم.»

«آگاهی» تفاوت‌ها را رقم می‌زند در واقع آنچه زنان را به حقوق و جایگاهشان بیش از پیش آگاه می‌کند، شرایط جدیدی است که با پیدایش امکان دانش‌اندوزی و نسبت و بالارفتن سطح سواد و در نتیجه حضور گسترده‌تر اجتماعی شکل می‌گیرد. کلارا کلیور رابین در کتاب «زنان ایرانی» از نشریه‌های ویژه زنان و با مدیریت خودشان نام می‌برد. «شکوفه» یکی از آن میان است که روزنامه‌موری به منظور بیداری نسوان به شمار می‌آمده و دیگری «زبان زنان» است که در اصفهان انتشار می‌یافته است. این روزنامه‌ها و نشریات بی‌گمان نمی‌توانند از مقلاتی تهری باشند که نابجایی‌های روی داده



مورد نظر زنان و اختلاف نظر و سلیقه‌هایشان با مردان را بازتشریح کرده‌اند. در کنار اینها انجمن‌ها و تشکلاتی سیاسی زنانه را هم نباید از نظر دور داشت. برای نمونه خانم کلیور رابین انگلیسی، اقدامات «انجمن آهنگران ایران» را بیان می‌کند؛ اینها انجمن‌هایی‌اند که با نخستین تکاپوهای فمینیستی از جنس ایرانی‌اش در آن‌جا می‌وزد.

**احترام و احترام و احترام!**  
تصویری که از زنان ایرانی و چگونگی تعامل و حضور اجتماعی‌شان به‌ویژه در ارتباط با مردان، در سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی می‌شود، در بسیاری موارد تنها مقایسه‌ای با شکل زندگی خود غربی‌هاست. آنها بیشتر، نگاه‌داشتن روح آزادی کوشش‌های بسیار می‌کردند، در حالی که ایشان در تحت دو قسم فشار مظلوم بودند؛ یکی پلیتیکی و دیگری تمدنی و معاشرتی. «شوستر می‌افزاید: «زنان در اتخاذ طرق حکومت مشروطه و اموختن قوانین پلیتیکی و معاشرتی و اخلاقی و تجارتي از اهالی مغرب‌زمین بیشتر از مردها مایل به حرکات خوش‌نمای ملی‌گرایانه‌اند...» شوستر در بخشی دیگر از این جریان، به اقدام عملی زنان در پیشبرد هدف و نظرشان می‌پردازد: «در آن ایام تار ظلمانی که اوهم مردم در تردید بود که آیا مجلس خواهد ماند یا منقلب نشود، زنان ایران با هیجان و حرارت قلبی برای محافظت آزادی و محبت فوق‌العاده وطن خود، آخرین اقدامی را که آنان را بر مردان تفوق و برتری داده و دلیل شجاعت وطنی‌شان بود به عرصه ظهور رسانیدند. شهرت داشت که وکلا و نمایندگان در چند جلسه سری مجلس قرار داده بودند



### ۳ کور کردن آب شاه و پایان حیات قنات‌های تهران

قنات بزرگ دیگر، آب شاه بود و چون به سمت کاخ گلستان روان می‌شد این عنوان را داشت. آب شاه در محدوده باغ ملی و حوالی ساختمان قدیم شهرتانی بود. این قنات را برای تأمین نیاز ساکنان مناطق شمالی تهران استفاده می‌کردند و سرحد اصلی این محدوده هم خیابان کنونی انقلاب بود. پس از ایجاد تأسیسات لوله‌کشی آب، به دلیل نفوذ چاه دستنوشته‌های آب شاه، آن را کور کردند. این اتفاق برای قنات‌های دیگر هم روی داد؛ اضافه‌ای از دلایل استقبال مردم از ایجاد سیستم لوله‌کشی، همین بود. مردم جنوب شهر از قنات‌های محلی استفاده می‌کردند که هم آب آشامیدنی، هم وسیله تغذیه آب‌انبارهایشان بود و از همین روی مرض سالک در آن نواحی گسترش داشت.

### ۴ میر آب‌ها و اعتراض ساکنان پایین دست

میر آب‌هایی که از جانب نهادهای حکومتی وظیفه رساندن آب به درب منازل را داشتند افراد زیرکی بودند. گاه با گرفتن شوه در زمان پایین آمدن سطح آب‌ها، حق و سهم بیشتری از قنات‌های جاری به خانه برخی افراد متمکن تر فرستادند. در آن زمان میر آب‌های شهر داری که مسئول تقسیم آب بودند، می‌آمدند و درب خانه‌هایشان را می‌زدند تا آب را به سوی آب‌انبار و حوض‌ها هدایت کنیم. آبی که توسط درشک‌های به فروش می‌رسید بیشتر برای آشامیدن صرف می‌شد و آب قنات‌های جاری به امور دیگری می‌رسید. واحد آب هم در آن زمان‌ها «سنگ‌تاب» بود ولی هنوز کسی نتوانسته است بفهمد معیار این واحد اندازه‌گیری چه بوده است. در آن زمان هم البته سر بر آب دعوا می‌شد، چون بالاترین تها گاه برای گرفتن آب بیشتر و دسترسی سریع‌تر، مسیر آن را می‌بستند که موجب اعتراض ساکنان نواحی پایین دست می‌شد. قنات‌های مشهور دیگری هم در تهران وجود داشت؛ مثلا چند قنات در خیابان لاله‌زار بود که وارد باغ میرزا علی‌صفر خان اتابک می‌شد. باغ ظل السلطان، باغ‌های تهران خودشان قنات داشتند و اغلب برای افراد حکومتی و ثروتمند بودند. اینها به این ترتیب از درگیری‌های بر سر چگونگی برداشت آب دور بودند.

من به خاطر ندانم که در تهران کم‌آبی شدید یا قحطی آب بروز کرده باشد، چون کوه‌های البرز که تأمین‌کننده آب تهران بودند همیشه بارندگی داشتند. در آن زمان گرمای زمین به شدت امروز نبود. جایی هم دربار این مشکل چیزی نخواندم ولی همیشه ممکن بود حجم آب که شوم در زمان وقایع بزرگ اجتماعی یا سیاسی و اقتصادی که موجب بروز مشکلاتی در تأمین نان یا دیگر نیازمندی‌های مردم می‌شد، هیچ‌گاه وقته‌ای در تأمین آب مورد نیاز مردم رخ نداد. گاهی برنامه‌هایی برای وقف و نذر آب هم انجام می‌شد؛ برای نمونه قنات حاج‌خان از جلوی مجلس می‌گذشت و از قنات‌های وقف‌شده بود که شکل مصرف آب آن برای اهالی سرچشمه و دیگران مشخص شده بود. سقاخانه‌ها هم بودند که یک حوض خزینمانندی داشتند و آب آن‌جا می‌ریختند و مردم در کوچه و خیابان از آن استفاده می‌کردند. کاربرد اینها البته بر خلاف پهناداشت بود. هرگز اتفاق نمی‌افتاد که آب مصرفی خانه‌ای تمام شود و ساکنان آن چند روزی برای تأمین آب مشکل داشته باشند. مصرف آب موجود به شدت مدیریت می‌شد، همچنین میر آب‌ها وظایف خود را انجام می‌دادند. قدیم در خانه‌ها بیز زمین‌هایی بود که از زیر آنها آب قنات‌ها جریان داشت و گاهی روی زمین دیده می‌شدند ولی جالب این است که کسی به آن آب دست نمی‌برد و این آب از خانه‌ای به خانه دیگر جریان داشت.



### ۵ منزل از کنار ساختمان مرکزی بانک سپه می‌گذشت، این ساختمان در ضلع شرقی محوطه تاریخی باغ ملی پشت پستخانه قدیم قرار داشت. آن‌جا آب قنات شاه را کوزه‌ای می‌فروختند که مردم می‌خریدند. من هم روز یک کوزه‌ای از آن آب برای مصرف آشامیدن می‌خریدم.

روز می‌خریدم، من هنگام بازگشت از کتابخانه ملی در خیابان قوام السلطنه (۳۰ تیر امروز) که سرپرست بخش نسخه‌های خطی آن‌جا بودم به سوی

### ۱ لوله‌کشی آب تهران چگونه و از کجا آغاز شد؟

پیش از آمدن آب رودخانه کرج و لوله‌کشی آب تهران، مردم پایتخت، آب مورد نیاز خود را از راه قنات‌های متعدد شهر تأمین می‌کردند. تعداد این قنات‌ها به‌طور دقیق در نقشه‌های که در سال ۱۳۰۹ قمری توسط عبدالغفار نجم‌الدوله تهیه شده است دیده می‌شود. خاطر من است ۱۰۰ تا ۲۰۰ قناتی را که در آن زمان خانه‌ها را مشروب می‌کردند و لوله‌کشی تهران همواره گرفتار کم‌آبی بود. از زمانی که طرح حاج میرزا آقاسی برای انتقال آب کرج تا کام ماند تا اوایل دوره پهلوی اول، این قنات‌ها مهم‌ترین منابع تأمین آب تهران بودند. گاه با وقوع سیلی، خندقی‌های شهر را نیز آب می‌گرفت. در زمان رضاشاه، کریم آقا پورجمهری آب کرج را به تهران رساند و در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ در مسیل رودخانه‌ای که امروزه در بلوار کشاورز قرار دارد، جاری ساخت. یاد می‌آید با پسر عموم دست‌ان‌مان را زیر فشار شدیدی لوله‌هایی که این آب را به نواحی جنوبی‌تر منتقل می‌کردند، می‌گرفتیم و مسابقه استقامت می‌دادیم. تهران در آن زمان بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت نداشت. این آب را بین مردم تقسیم می‌کردند ولی با این حال باز هم شبیه‌امی آمدم و دم در خانه می‌ایستادم تا وقتی آب قنات‌ها در جوی جاری می‌شود، آن را به آب‌انبارها و حوض‌ها بیندازم. این آب‌ها از لحاظ بهداشتی هم قابل کنترل نبود.



قانون لوله‌کشی آب تهران در میانه‌های دهه ۲۰ خورشیدی مصوب و پروژه توسط شرکت انگلیسی «الکساندر گیپ» اجرا شد. یکی از رجال آن روزگار برای من می‌گفت که با توجه به شرایط آن روز کوچک‌های تهران، انجام این کار مشکلات زیادی داشت ولی در نهایت حتی تا کوچک‌های پایین شهر هم پیش رفت. آب تهران در این دوره کرج و جارو دو با سد کرج و لتیان تأمین می‌شد که برای تهران کوچک آن روز کافی بود ولی حالا همین تهران ۵۸ برابر شده است.

### ۲ بشکه‌های آب قنات‌های سفارت انگلیس را می‌خریدند



پیش از لوله‌کشی آب تهران، بخشی از آب‌رسانی تهران از طریق بشکه انجام می‌شد. بشکه‌ها را روی دو چرخ می‌بستند و اسبان را می‌کشیدند. وقت‌ها معروف‌تر بودند که معمولاً این بشکه‌ها را از آنها می‌گرفتند؛ یکی سفارت انگلیس بود که آب را از آن‌جا می‌آوردند و درب خانه‌ها کوزه‌ای می‌فروختند. هر کوزه زمانی آریال بود و آن او را تا یک تومان می‌رسید. کاملاً یادم است که انگلیسی‌ها خودشان قنات‌هایی را در باغ سفارت ایجاد کرده بودند و در آن‌جا آب را می‌فروختند. بشکه‌های ما رفتند و با تلمبه آب پر می‌کردند و به انگلیسی‌ها یا شاید افراد دیگری که ساکن آن منطقه بودند پول می‌دادند. سفارت‌خانه‌های دیگر هم هر کدام برای خودشان قنات‌هایی داشتند که آب مصرفی خود را از آنها تأمین می‌کردند.

ایجاد لوله‌کشی آب در تهران که اتفاق بسیار مهمی بود، با استقبالی گسترده رو به رو شد. هر چند برخی آب‌فروشان‌ها دچار مشکلاتی شدند ولی چندان ناراضی ندی و اثر گذاری از خود نتوانستند نشان بدهند. خیلی زود از جریان زندگی روزمره مردم تهران خارج شدند. آب شرب مصرفی را هر

ایجاد لوله‌کشی آب در تهران که اتفاق بسیار مهمی بود، با استقبال گسترده رو به رو شد. هر چند برخی آب‌فروشان‌ها دچار مشکلاتی شدند ولی چندان ناراضی ندی و اثر گذاری از خود نتوانستند نشان بدهند. خیلی زود از جریان زندگی روزمره مردم تهران خارج شدند. آب شرب مصرفی را هر

## دگرگونی جایگاه زن؛ ضرورتی که در ک شد

خوبیدند: از مجلس اول اطوار شراب‌خور، مجلس دوم کردار اهل قمار، مجلس سوم در تفصیل چرس و بنگ و اوپور و اسرار و سرانجام مجلس چهارم شرح گفت‌وگو در اوضاع عبانراه و اوقات اجاره و الواط. در بخشی نیز به خواست زنان مجلس‌اش، سرگذشت خود را قرار داده است. بی‌بی خانم، رساله تأدیب‌النسوان را با نگاهی عالمانه پاسخ می‌دهد. او همچنین نسبت دادن مکر خود را بر رساله نگذاشته است؛ با در نظر گرفتن این که مردان، زنان خود را می‌فریبند تا محبت‌شان را جلب کنند، مردود می‌شمارد. بی‌بی خانم نصیحت‌های نویسنده تأدیب‌النسوان را توضیح می‌دهد و آن را به تعبیری و مردانیت هم در جامعه دیده می‌شوند که با وجود رعایت و ملاحظه زن دلسوز، قدرشناس‌اند. او در این باره می‌نویسد: «بسیار دیده و شنیده شده که زنان وجه معقول دارند و با ایشان میلی ندارند و در فکر هرگز خود می‌دانند. بسیار زنان که بفرموده مرد عمل نمایند از لباس و اثاث باز طرف میل مرد نگرند به جهت خوی بد آن ناسیاس خدانشناس و بسیاری از زنان انواع لباس‌های قیمتی ظریف و لطیف از مال خود برای خود و شوهر می‌خرند و می‌برند و می‌وزند و می‌پوشند و می‌پوشانند و با وجود این هیچ در نظر مرد بدبخت نمی‌آید و آن زن بیچاره همیشه تباہ کردار و سیاه‌روگار در انتظار ایشان خوار و زار است.

## ادامه از صفحه ۹

فردی، باز هم نشانلس، بر آن مقدمه‌ای و موخرای نوشته و رساله تأدیب‌النسوان نام‌گذاری شده است. این رساله، تکرار مکرراتی است که در ادب تعلیمی ایران دربار زن مطرح می‌شود. مواردی که در این رساله از زن خواسته می‌شود اگر چه با اندکی توجه به افکار، متجددانه می‌نمایند اما هر آنچه که از فرهنگ غیر ایرانی نیز در آن مطرح می‌شود چیزی نیست جز آنچه در سنت قدیم دربار زن مطرح می‌شده است. از آن جمله می‌توان به اطلاع زن از مرد، صبر، سکوت، سازگاری و محبت‌اش به مرد اشاره کرد. مواردی که نویسنده به دختران و زنان توصیه اکید می‌کند، توصیه‌هایی قلمداد شده که در صورت عمل بدان‌ها، کسی بد نمی‌بیند. نویسنده اثر خود را به ۱۰ فصل تقسیم کرده است در سلوک زن، در حفظ زبان، در گله‌گری، در قهر کردن، در ضرر راه رفتن، در آداب غذا خوردن، در پاکیزه داشتن بدن و استعمال بعضی از عطریات، و طرز لباس پوشیدن، اثر خود را به ۱۰ فصل سرانجام، فصل دهم در آداب صبح برخاستن از خواب. شاید بتوان چکیده کلام وی را این‌طور خلاصه کرد: «زنان باید فنای محض در اطاعت مرد باشند و چون و چرا نداشته باشند و آنچه بگویند اطاعت کنند و فرمائینداری مرد را واجب دانند... و اگر فی المثل دست‌ش را گرفته به آتش اندازد آتش گلستان و باغ یسستان شمرد و تخلصاً از فرمان به قدر یک نفس کشیدن جایز نماند»